

Going to the cinema

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal

 3

 دری / English

هی برای یک فلم تلاش می کند ببیند. او می خواهد بهترین
دوست اش لیه، به سینما برود.

...

Mai searches for a film to watch. She wants to go to
the cinema with her best friend, Lisa.



هی توسط موتورسیکل به سینما می رود. آنها موافقت کرده اند در آنجا
ملاقات کنند.

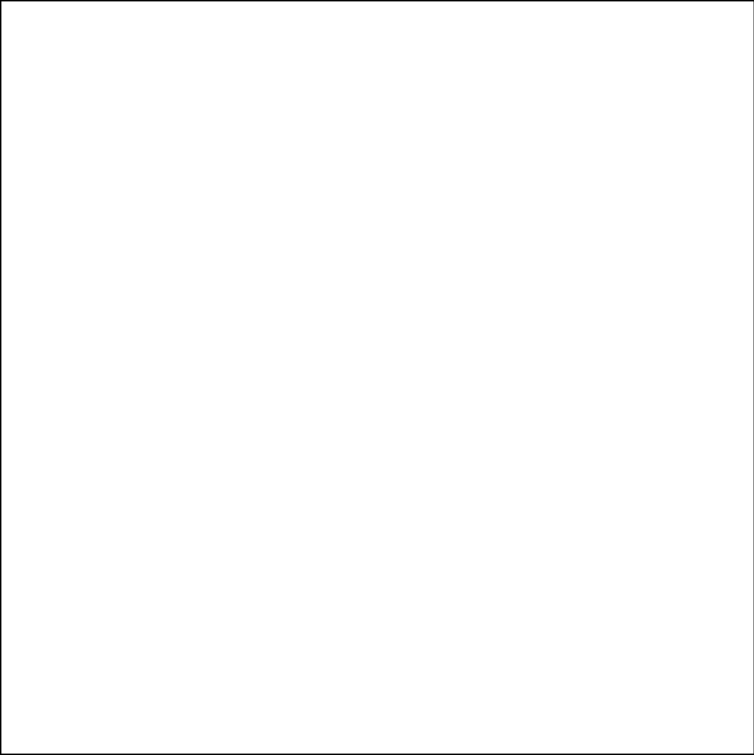
...

Mai takes her scooter to the cinema. They have
agreed to meet there.

آن‌ها در سینما به یک دیگر سلام می‌گویند. آن‌ها برای دیدن فیلم بسیار خوش هستند.

...

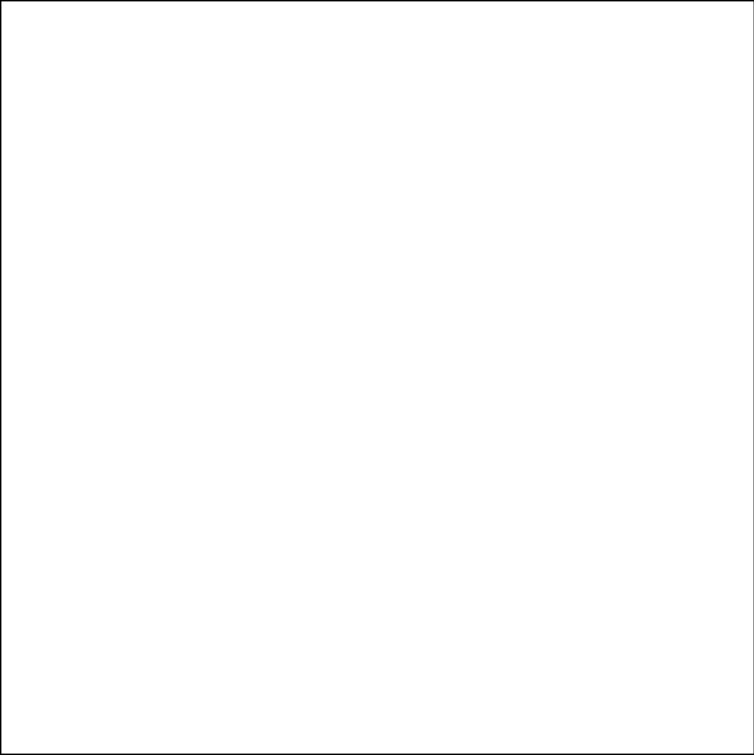
At the cinema they say hello. They are excited to see the film.



هی برای هر دو از گونتر تکت میخرد.

...

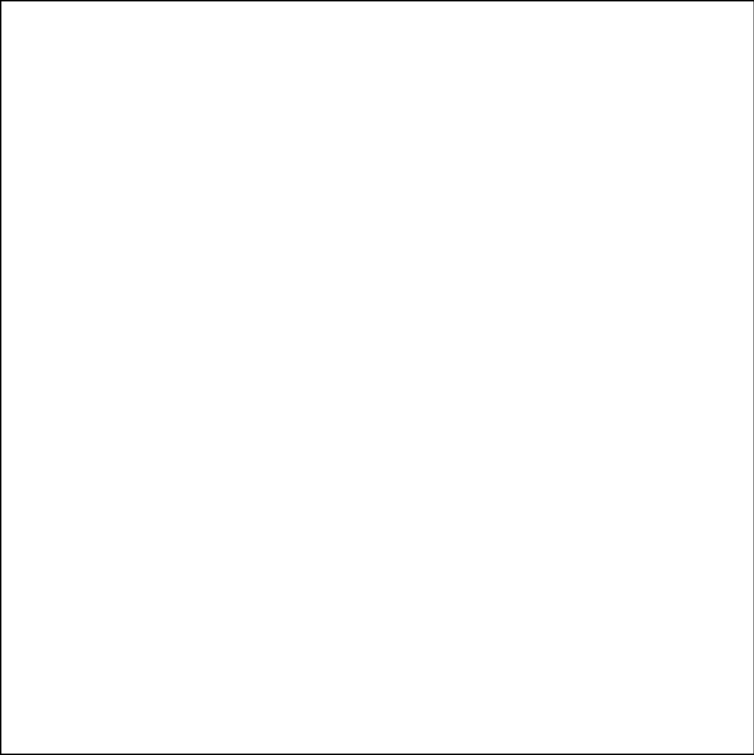
Mai buys tickets for both of them at the ticket counter.



او همچن یک دبه کلن پله میخرد.

...

She also buys a big bucket of popcorn.



لیسا پله را میگیرد، در حال که هی دو بوتل سودا میخورد.

...

Lisa takes the popcorn while Mai buys two bottles of soda.



آن‌ها پیش از داخل شدن به سینه تکت هی تهن را نهن می دهند فلم را
بینند.

...

They show their tickets before they go inside to
watch the film.



آنہ پشت چوکی ہ خود می گردند. داخل سینہ ڈریکی است چرا کہ فیلم
از قبل آڈز شدہ است.

...

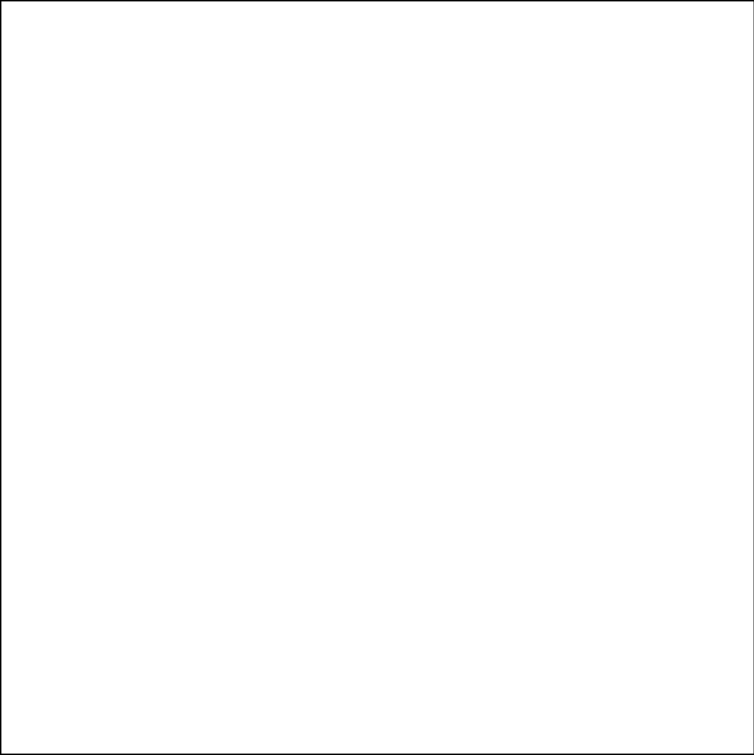
They look for their seats. It is dark because the film
has already started.



آنہ می نشینندہ فیلم را ببینند.

...

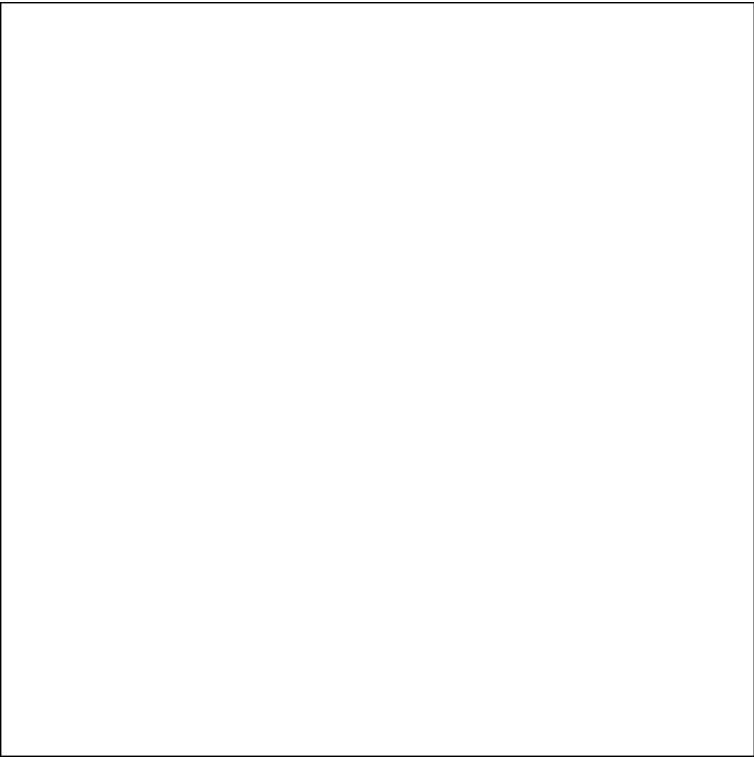
They sit down to watch the film.



این یک فیلم ده‌شده است. آن نوع فیلم پسند این‌ها می‌باشد.

...

It is a romantic film. That is their favourite kind.



بعد از فيلم آنها خدا حفظی ميکنند و خانه مي روند.

...

After the film they say goodbye and go home.




LIDA Stories

lidastories.net

به سینما رفتن

Going to the cinema

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakane

 Shir Ahmad Laiwal (prs)

